

کلانشهرها از نظر عملکردی مشاهده می شود. به منظور تبیین پدیده کلانشهری شدن به عنوان يك مسئله توسعه، ضروری است توجه خود را از جنبه سیاسی توسعه به تمرکز فوق العاده هر يك از عملکردهای اصلی زندگی در مقیاس وسیع بویژه در کلانشهرهای کشورهای جهان سوم (شامل مادر شهرها و پایتختها) معطوف سازیم. به عبارت دقیقتر، نخست شهری عملکردی بعنوان مفهوم اصلی برداشت ما از کلانشهری شدن بصورت وجه تمایز قطعی کلانشهرهای کشورهای صنعتی از کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه مطرح گردیده است. متناظر با مرحله توسعه کشور مورد نظر، درجه نخست شهری عملکردی کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه به پایه هیچیک از کلانشهرهای کشورهای صنعتی نمی رسد.

جدیدترین پدیده در این ارتباط، شهرهای جهانی یا اصطلاح جهانشهرها هستند. در حالی که نخست شهری کلانشهرها از نظر عملکردی، بی استثناء به سطح ملی بازمی گردد نخست شهری جهانشهرها به سطح جهانی آن اشاره دارد. جهانشهرها به عنوان مراکز تصمیم گیری، اداره و کنترل اقتصاد جهانی عمل می کنند. جهانشهرها گلوگاه های اقتصاد سرمایه داری سازمان یافته و فراملیتی هستند. معرفی شبکه کنونی جهانشهرها آشکار می سازد که هیچ کلانشهری در هیچ کشور جهان سومی تاکنون به مرتبه جهانشهری نرسیده است. ۱۸ جهانشهر عمده همگی در مراکز اقتصاد جهانی امروز واقع شده اند: آمریکای شمالی، اروپا و آسیای جنوب شرقی: ژاپن (توکیو، اوزاکا-کوب، ناگویا، هنگ کنگ، سنگاپور و سنول). با صراحت بگوییم، هنوز با جهانی شدن پدیده کلانشهر فاصله داریم. سرمایه های خارجی در قالب شرکتهای فراملیتی، سازمانها، بانکها و غیره، کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه را فقط به عنوان مراکز تولید و توزیع و همچنین موقعیتهای ارتباطی مورد استفاده قرار می دهند. یعنی آنها تاکنون نقش محدودی در اقتصاد جهانی ایفا کرده اند. بطور خلاصه آیا تاکنون کشورهای در حال توسعه بطور گسترده از فرایند جهانی شدن اقتصاد به عنوان بعد جدیدی از وابستگی؟ بدور مانده اند.

با اینکه مقالات و کتب زیادی وجود دارد که نشان می دهد شهرنشینی در کره زمین یکی از اساسی ترین مراحل تحول جهانی در تاریخ بشر است، در قرن بیستم این واقعیت ابعاد گسترده و جدیدی به خود گرفته است. در نتیجه رشد سریع جمعیت از ۱۹۰۰ و بویژه از ۱۹۵۰ میلادی، شاهد تمرکز و بهرشد جمعیت در داخل شهرهای خیلی بزرگ یا همان مادرشهرها بوده ایم. به هر حال مقایسه کلی فرایند مادر شهری شدن کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه این حقیقت را آشکار می سازد که این تحول بنیادی که همه ابعاد زندگی را در بر می گیرد، بین این دو گروه کشورهای بویژه از نیمه دوم قرن بیستم مسیر کاملاً متفاوتی را طی کرده است. در حالی که رشد جمعیت مادر شهرها (شهرهایی با بیش از یک میلیون نفر جمعیت) در کشورهای صنعتی از ۱۰۵ به ۳۵۰ میلیون نفر (یعنی ۳/۳ برابر) پیش بینی شده است، جمعیت مادر شهرهای جهان سومی از ۵۶/۵ به حدود ۹۱۰ میلیون یعنی بیش از ۱۶ برابر افزایش خواهد داشت.

يك پدیده نسبتاً جدید در ارتباط با روند شهرنشینی از لحاظ مادر شهری شدن جهان، افزایش کلانشهرها یعنی شهرهایی با بیش از ۵ میلیون نفر است که تعداد آنها طی ۵۰ سال گذشته بطور وحشتناکی افزایش یافته است. در حالی که در سال ۱۹۴۰ فقط ۴ کلانشهر توکیو، نیویورک، لندن و پاریس وجود داشت، در سال ۱۹۹۰ تعداد آنها تقریباً به ۳۶ کلانشهر رسید که در ۲۳ کشور پراکنده بودند. این بدین معنی است که علیرغم اینکه فرایند مادر شهری شدن، ۸۷ کشور از ۱۲۷ کشور جهان را که دارای جمعیتی بیش از ۳ میلیون نفرند را تحت تأثیر قرار داده است، تاکنون بر اساس شواهد جمعیت شناختی نمی توان کلانشهری شدن جهان را يك پدیده جهانشمول دانست.

به هر حال بطور قطع عنصر اصلی پدیده مادر شهری شدن / کلانشهری شدن بیشتر از درصد بالای جمعیت (نخست شهری از نظر جمعیتی) که قبلاً مطرح بود، هم اکنون در تمرکز، آن هم نه تنها تمرکز در عملکردهای سیاسی و اداری بلکه در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کلانشهرهای ناحیه و بطور خلاصه نخست شهری

کلانشهرها - جهانشهرها:

جهانی شدن

کشورهای جهان سوم

نویسنده: Dirk Bronger

ترجمه: یعقوب زنگنه چگنی

عضو هیئت علمی دانشگاه

تربیت معلم سبزوار

منبع (1999) Resource Management

مفهوم کلانشهر

بُعد جمعیت شناختی. بُعد جمعیت شناختی یک شهر و نیز یک کلانشهر، بر پایه مفهوم تجمع‌گرایی شهری استوار است و شامل موارد زیر می‌شود (Bronger, 1995: 381):

۱- شهر مرکزی

۲- ناحیه مرکزی و

۳- ناحیه شهری شده که وجه مشخصه‌اش ساخت اشتغالی با غلبه بخشهای ثانویه و شایسته همراه با درصد بالایی از کارگران روزانه‌ای است که در مرکز شهر یا مرکز ناحیه مشغول به کارند (نگاه کنید به مدل منطقه شهری در: (BOUSTEDT, 1970: 1320).

دیگر ملاک‌های تعریف، یک ساخت تک هسته‌ای، حداقل ۵ میلیون سکنه و حداقل تراکمی برابر با ۲۰۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع برای کل ناحیه شهری می‌باشد (برای جزئیات بیشتر نگاه کنید به: (Bronger, 1993: 68). نیازی به گفتن نیست که این مفهوم جمعیت شناختی اگر قابل مناقشه نباشد، جای بحث و بررسی دارد. به هر حال این مفهوم استاندارد مقایسه کمی بین المللی میان کلانشهرها را میسر می‌سازد (نگاه کنید به جدول ۱).

بُعد عملکردی. ویژگی خیلی مهم و اساسی اصطلاح کلانشهر، نه تنها تمرکز در عملکردهای سیاسی و اداری بلکه تمرکز در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کلانشهر و در یک کلام، نخست شهری کلانشهر است. این ویژگی که نخست شهری عملکردی نامیده می‌شود (Bronger, 1985: 87) دو مشخصه اصلی دارد:

(۱) تمرکز فوق العاده یا بطور صحیحتر تمرکز فوق العاده عملکردهای اصلی - که در اینجا آنها را شاخصهای نخست شهری می‌خوانیم - تقریباً در هر یک از ابعاد زندگی و آنچه دارای اهمیت ویژه است.

(۲) تمرکز جمعیت که پیشاپیش بسیار بالا بوده از ارقام مربوط به شاخصهای هر یک از دیگر بخشها یعنی بخش‌های اقتصادی (البته جز بخش اولیه)، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اداری با فاصله زیادی پیشی گرفته است. ما این ارتباط بین نخست شهری مربوطه (PI) و نخست شهری

جمعیتی را نسبت نخست شهری (PR) می‌خوانیم. بنابراین $PR = PI/MQ$ که در آن MQ شاخص مادر شهر شدن است. به عبارت دیگر باید ویژگی قطعی نخست شهری کلانشهر را رابطه $MQ < PI$ یا $RR < 1$ محسوب کرد.

جهانی شدن

اصطلاح جهانی شدن یا فرایند جهانی شدن را فرایند یکپارچگی (و تمرکز) مستمر سرمایه، بازار نیروی کار، تجارت، حمل و نقل و ارتباطات تعریف کرده‌اند. شدت این تمرکز پیوسته رو به افزایش است. به نظر می‌رسد این فرایند غیر قابل بازگشت باشد. جهانی شدن به معنی رقابت است. در میان مدت در مقیاس جهانی هیچ کشوری نمی‌تواند و نباید - از این رقابت خونین، که همزمان یک چالش، یک شانس و یک تهدید است برکنار باشد.

همانگونه که بدرستی خاطر نشان کرده‌اند (Feagan/Smith 1987: 4) جهانی شدن به هیچ وجه پدیده جدیدی نیست: از صدها سال پیش با شروع تمدن فنیقیها و حتی پیش از سه هزار سال پیش، مؤسسين شرکتهای سرمایه‌داری، فعالیت اقتصادی (و اغلب سیاسی) خود را با هدف استفاده از آن از مواد خام و نیروی کار و دستیابی به گیاهان صنعتی و در نتیجه به بازارها، تاکشورهای ماوراء دریاها گسترش دادند. کارل مارکس فیلسوف سیاسی آلمان که در مشهورترین اثرش سرمایه، اقتصاد سرمایه‌داری را در نیمه قرن نوزدهم به تحلیل گذاشت چنین پیش بینی می‌کرد: تقسیم کار بین المللی جدیدی که مناسب نیاز مندیهای مراکز عمده صنعتی است سر بر می‌آورد و بخشی از کره زمین را به قلمروی تولید کشاورزی «برای برآوردن نیازهای غذایی سایر قسمت‌های صنعتی دنیا» تبدیل می‌کند.

وجه مشخصه جدید یا - به عبارت بهتر - اساسی دهه‌های اخیر قرن بیستم این واقعیت است که فرایند این یکپارچگی و تمرکز بیش از پیش جهانی شده، بطوری که کشورها و مناطق بیشتر و بیشتری را در بر گرفته هر چند در رابطه با کشورهای منفرد و مراکزشان شدت آن بسیار متفاوت بوده است.

مفهوم جهان‌شهر

ما این مراکز یا بطور دقیقتر این نقاط کانونی فرایند

○ یکی از پدیده‌های نسبتاً جدید در ارتباط با روند شهرنشینی از لحاظ مادر شهری شدن جهان، افزایش چشمگیر تعداد کلانشهرها یعنی شهرهایی با بیش از ۵ میلیون نفر جمعیت طی ۵۰ سال گذشته است.

جدول ۱: فرایند کلان‌شهری شدن دنیا (حدود سال ۱۹۹۰)

کلان‌شهرها	تعداد شدن (%)	شاخص کلانشهری (به میلیون نفر) حدود ۱۹۹۰	جمعیت به کیلومتر مربع	ناحیه کلان‌شهر	مادر شهری شدن (%)	شاخص ناخالص داخلی ۱۹۹۳ (زاین = ۱۰۰)	سرانه تولید	
							کشور	ردیف
۳	۲۶/۳	۳۲/۵۲۶	۹/۹۸۴	توکیو	۴۰/۶	۱۰۰	ژاپن	۱
	۹/۸	۱۲/۱۵۰	۲/۸۵۰	اوزاکا-کوبه				
	۴/۵	۵/۵۴۲	۲/۴۲۷	ناگویا				
۱	۳۹/۹	۵/۳۴۳*	۲/۰۲۶	سانتیاگو	۳۹/۹*	۱۰	شیلی	۲
۱	۳۸/۹	۱۶/۸۷۱	۳/۵۰۵	سئول	۳۸/۹	۲۴	کره	۳
۱	۳۳/۴	۱۰/۸۸۷	۳/۰۹۴	بوئنوس آیرس	۳۳/۴	۲۳	آرژانتین	۴
۱	۲۹/۵	۶/۰۵۴*	۳/۸۵۰	لیما	۲۹/۵*	۵	پرو	۵
۱	۲۹/۵	۱۲/۵۰۶	۳/۲۷۴	قاهره	۲۵/۹	۲	مصر	۶
۱	۱۸/۵	۱۵/۰۴۸	۴/۶۰۶	مکزیکوسیتی	۱۸/۵	۱۲	مکزیک	۷
۱	۱۷/۰	۱۰/۳۲۳	۲/۱۷۵	مترو مانیلا	۱۷/۰	۳	فیلیپین	۸
۲	۱۰/۳	۱۵/۰۷۵	۴/۵۵۶	سائوپولو	۱۶/۶	۱۰	برزیل	۹
	۶/۳	۹/۲۲۹	۲/۷۹۱	ریودوژانیرو				
۴	۶/۵	۱۶/۰۴۴	۷/۶۸۸	نیویورک	۱۶/۴*	۷۹	ایالات متحده آمریکا	۱۰
	۵/۲	۱۱/۴۰۳	۵/۰۹۱	لوس آنجلس				
	۲/۷	۶/۷۹۲*	۴/۱۰۴	شیکاگو				
	۲	۵/۰۶۵*	۳/۱۴۱	سان فرانسیسکو				
۱	۱۴/۸	۵/۰۲۶	۱/۵۸۷	بوگوتا	۱۴/۸	۴	کلمبیا	۱۱
۱	۱۴/۰	۷/۶۳۲*	۴/۷۱۷	بانکوک	۱۴/۰*	۶	تایلند	۱۲
۱	۱۳/۲	۶/۹۶۵	۰/۵۶۷	تهران	۱۳/۲	۸	ایران	۱۳
۱	۱۲/۴	۶/۹۸۰*	۱/۰۰۰	پاریس	۱۲/۴*	۷۱	فرانسه	۱۴
۱	۱۱/۷	۶/۶۲۰	۱/۵۱۲	استانبول	۱۱/۷	۷	ترکیه	۱۵
۱	۱۱/۱	۶/۳۷۹	۱/۵۷۹	لندن	۱۱/۱	۵۷	بریتانیا	۱۶
۲	۶/۱	۸/۹۷۰	۱/۰۵۹	مسکو	۹/۵	۷	روسیه	۱۷
	۳/۴	۵/۰۲۷	۰/۵۷۰	سن پترزبورگ				
۱	۷/۱	۱۳/۳۳۷	۱/۶۱۷	جاکارتا	۷/۱	۲	اندونزی	۱۸
۱	۶/۷	۷/۹۴۳*	۱/۹۹۳	کراچی	۶/۷+	۱	پاکستان	۱۹
۱	۶/۴	۵/۶۸۶*	۳/۳۴۵	لاگوس	۶/۷*	۱	نیجریه	۲۰
۱	۶/۱	۶/۵۸۰	۱/۵۳۰	داکا	۶/۱	۱	بنگلادش	۲۱
۴	۱/۵	۱۲/۵۹۶	۱/۱۷۸	بمبئی	۴/۵	۱	هند	۲۲
	۱/۳	۱۱/۰۲۲	۰/۸۹۷	کلکته				
	۱/۱	۹/۴۲۱	۱/۴۸۳	دهلی				
	۰/۶	۵/۴۲۲	۰/۵۷۲	مدرس				
۴	۰/۷	۸/۲۱۴	۰/۷۴۹	شانگهای	۲/۳*	۲	جمهوری خلق چین	۲۳
	۰/۶	۶/۳۲۵	۱/۳۷۰	پکن				
	۰/۵	۵/۸۰۱	۱/۰۷۴	هنگ کنگ				
	۰/۵	۵/۵۸۵*	۴/۲۷۶	تیانجین				
۳۶	۶/۵	۳۴۲/۳۸۶					جهان	

+ برآورد

* در این مورد مالک تراکم ۲۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع برآورد نخواهد شد

● منطقه شهری شده

منبع: آمار کشورها (برآورد مؤلف).

جهانی شدن را جهان شهر می نامیم. آنها شهرهای فرمانده جهان (Feagan/Smith, 1987:3) یا به عبارتی کلی تر، مراکز فرماندهی اداره جهانی سرمایه، تجارت، حمل و نقل و ارتباطات، همچنین سیاست و فرهنگ - بین المللی - و به طور خلاصه مراکز تصمیم گیری و نقاط کنترل اقتصاد دگرگون شونده جهان، از جمله ارتباطات و غیره هستند. این مطلب اشاره به این دارد که جهانی شدن فقط محدود به بُعد اقتصادی نیست، بلکه مفهوم جهان شهر را باید به معنای گسترده آن و نه فقط به عنوان مکانهای عمده ای برای تمرکز و انباشتگی سرمایه های جهانی فهمید. اما باید پذیرفت که امروزه بُعد اقتصادی در فرایند جهانی شدن نقش کلیدی بازی می کند.

با توجه به برداشت ما از کلانشهر تفاوت قطعی بین دو اصطلاح کلانشهر و جهان شهر را می توان به صورت زیر بیان کرد:

در حالی که نخست شهری عملکردی کلانشهر به کشور متبوع آن و سطح ملی محدود شده است، تسلط عملکردی جهان شهر اگر نه منحصرأستدک عمداً ناظر بر سطح جهانی است. قبل از اینکه سعی کنیم به پرسش اصلی یعنی موضوع این مقاله پاسخ دهیم، بیایید نظری اجمالی به فرایند کلانشهری شدن جهان در قرن بیستم از لحاظ شباهتها و تفاوتها موجود بین «کشورهای صنعتی» و «کشورهای در حال توسعه» بیندازیم. بار دیگر بحث را با بُعد جمعیت شناختی آغاز می کنیم.

۲- کلانشهری شدن قرن بیستم

بُعد جمعیت شناختی

اگر چه تعداد بسیار زیادی مقاله و کتاب وجود دارد که شهرنشینی در کره خاکی را یکی از بنیادی ترین فرایندهای تحول جهانی در تاریخ بشر تلقی می کنند، این مفهوم در قرن بیستم بُعد جدید و مضاعفی به خود گرفته است. به دلیل رشد سریع جمعیت از سال ۱۹۰۰ و بویژه از سال ۱۹۵۰ می توان تراکم فزاینده ای از جمعیت در شهرهای خیلی بزرگ یعنی مادر شهرها پدید آمده است. اما مقایسه عمومی فرایند مادر شهری شدن کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه این حقیقت را

روشن می سازد که این تحول بنیادی که بر تمامی جنبه های زندگی سایه افکنده است، در این دو گروه از کشورها بویژه از نیمه دوم این قرن مسیر کاملاً متفاوتی را پیموده است. در حالی که طبق برآوردها رشد جمعیت مادر شهرها (مکانهایی با بیش از یک میلیون نفر) در کشورهای صنعتی از ۱۰۵ به ۳۵۰ میلیون نفر خواهد رسید، یعنی ۳ برابر خواهد شد، این افزایش در کشورهای جهان سوم از ۵/۵۶ به حدود ۹۱۰ میلیون نفر رسیده یعنی بیش از ۱۶ برابر تخمین زده می شود.

یک پدیده کاملاً جدید در ارتباط با فرایند شهرنشینی و مادر شهری شدن جهان، افزایش کلانشهرهاست. هر چند در روزگاران کهن مثلاً تقریباً چندین هزار سال قبل شهرهای بزرگ زیادی (روم و پاتلیو تره) وجود داشت، فرایند کلانشهری شدن زمین را باید پدیده قرن بیستم و بطور دقیقتر پدیده نیمه دوم این قرن قلمداد کرد. در آغاز (حدود ۱۹۰۰) تنها سه شهر لندن، نیویورک و توکیو کلانشهر بودند. در سال ۱۹۴۰ فقط یک شهر دیگر یعنی پاریس به آنها اضافه شد. بزرگترین شهرهای کشورهای جهان سوم یعنی شانگهای و کلکنه به ترتیب در مکان نهم و دهم قرار می گرفتند (جدول ۲).

پس از سال ۱۹۴۰ بویژه از سال ۱۹۵۰ تعداد کلانشهرها بطور سرسام آوری افزایش یافت. این رقم از ۷ کلانشهر در سال ۱۹۵۰ به ۳۶ کلانشهر در سال ۱۹۹۰ افزایش یافت که بین ۲۳ کشور پراکنده شده بودند (جدول ۱). با این حال، تفاوت قابل توجهی در پویایی این فرایند بین کشورهای جهان اول و سوم بویژه در سه دهه اخیر (۱۹۹۰-۱۹۶۰) وجود داشته است. در صورتی که این تعداد در کشورهای صنعتی فقط از ۸ به ۱۱ افزایش یافت، در کشورهای در حال توسعه فقط ظرف مدت ۳۰ سال از ۵ به ۲۵ افزایش پیدا کرد (جدول ۳).

نتایج (جمعیت شناسی) فرایند کلانشهری شدن را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- فرایند کلانشهری شدن در مرحله فعلی خود به عنوان فرایندی مستقل از مرحله توسعه کشور در نظر گرفته می شود. کشورهای فقیر و غنی به یک میزان تحت پوشش قرار می گیرند (نگاه کنید به

○ عنصر اصلی پدیده مادر شهری شدن / کلانشهری شدن را بیش از صد بالای جمعیت باید در تمرکز، آن هم نه تنها تمرکز فعالیت های سیاسی و اداری بلکه تمرکز فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کلانشهر و به اصطلاح در نخست شهری عملکردی کلانشهر جست.

جدول شماره ۲: بزرگترین کلانشهرهای جهان ۱۹۹۰-۱۹۶۰-۱۹۰۰ (ارقام بر حسب هزار نفر)

حدود ۱۹۰۰	حدود ۱۹۶۰	حدود ۱۹۹۰
۱- لندن ۶/۵۱۰	۱- توکیو ۱۲/۷۴۰	۱- توکیو ۳۲/۵۲۶
۲- نیویورک * ۵/۵۰۰	۲- نیویورک ۱۱/۶۶۰	۲- سئول ۱۶/۸۷۱
۳- توکیو ۵/۲۴۸	۳- لندن ۸/۶۱۵	۳- نیویورک ۱۶/۰۴۴+
۴- پاریس * ۴/۲۰۰	۴- پاریس ۶/۰۰۰	۴- سائوپولو ۱۵/۰۷۵
۵- برلین ۲/۴۲۴	۵- مسکو ۴/۵۴۰	۵- مکزیکوسیتی ۱۵/۰۴۸
۶- شیکاگو ۱/۸۹۷	۶- برلین ۴/۳۳۹	۶- جاکارتا ۱۳/۳۳۷
۷- وینا ۱/۶۶۲	۷- اوزاکا-کوبه ۴/۲۱۰	۷- بمبئی ۱۲/۵۹۶
۸- کلکته ۱/۴۸۸	۸- شیکاگو ۴/۲۰۴	۸- قاهره ۱۲/۵۰۶
۹- سن پترزبورگ ۱/۴۳۹	۹- شانگهای ۳/۵۹۵	۹- اوزاکا-کوبه ۱۲/۱۵۰
۱۰- فیلادلفیا ۱/۴۱۸	۱۰- کلکته ۳/۵۷۸	۱۰- لوس آنجلس ۱۱/۴۰۳+

● تا حد ممکن ارقام جمعیت بر اساس مساحت فعلی محاسبه شده است (تجمع گرایی کلانشهر)

* رقم برآورد شده

+ برای روش محاسبه نگاه کنید به (1995: 382f).

منبع: آمار کشورها; Chandler / Fox, 1974: 330; (محاسبات نویسنده).

جدول ۳: کلانشهری شدن در قرن بیستم

(I.C: کشورهای صنعتی D.C: کشورهای در حال توسعه)

سال	بیش از ۵ میلیون نفر			بیش از ۱۰ میلیون نفر			مجموع		
	I.C	D.C	جمع	I.C	D.C	جمع	I.C	D.C	مجموع
۱۹۰۰	۳	-	۳	-	-	-	۳	-	۳
۱۹۲۰	۴	-	۴	-	-	-	۴	-	۴
۱۹۴۰	۲	-	۲	۲	-	۲	۴	-	۴
۱۹۵۰	۴	۱	۵	۲	-	۲	۶	۱	۷
۱۹۶۰	۶	۵	۱۱	۲	-	۲	۸	۵	۱۳
۱۹۷۰	۶	۱۰	۱۶	۲	-	۲	۸	۱۰	۱۸
۱۹۸۰	۶	۱۳	۱۹	۳	۴	۷	۹	۱۷	۲۶
۱۹۹۰	۷	۱۶	۲۳	۴	۹	۱۳	۱۱	۲۵	۳۶

منبع: نگاه کنید به جدول ۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جدول ۱- ستون ۴: (۳). توسعه، یادآوری این نکته از اهمیت خاصی

برخوردار است که تمرکز فوق العاده هر یک از کارکردهای عمده زندگی، اساساً در شهرهای بزرگ (از جمله پایتختهای) کشورهای جهان سوم ایجاد شده است. به عبارتی دقیقتر نخست شهری عملکردی به عنوان مؤلفه اصلی برداشت ما از کلانشهری شدن را باید وجه تفاوت قطعی بین شهرهای بزرگ کشورهای صنعتی و شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه دانست. متناظر با مرحله توسعه هر کشور، اندازه نخست شهری عملکردی کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه به پایه هیچکدام از کلانشهرهای کشورهای صنعتی

جدول ۱- ستون ۴: (۳). توسعه، یادآوری این نکته از اهمیت خاصی برخوردار است که تمرکز فوق العاده هر یک از کارکردهای عمده زندگی، اساساً در شهرهای بزرگ (از جمله پایتختهای) کشورهای جهان سوم ایجاد شده است. به عبارتی دقیقتر نخست شهری عملکردی به عنوان مؤلفه اصلی برداشت ما از کلانشهری شدن را باید وجه تفاوت قطعی بین شهرهای بزرگ کشورهای صنعتی و شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه دانست. متناظر با مرحله توسعه هر کشور، اندازه نخست شهری عملکردی کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه به پایه هیچکدام از کلانشهرهای کشورهای صنعتی

بعد عملکردی

در فصل مقدماتی بر نخست شهری عملکردی به عنوان مؤلفه حیاتی و بسیار مهم مفهوم کلانشهری شدن تأکید کردیم. برای تعیین پدیده کلانشهری شدن به مثابه مسئله توسعه از نقطه نظر سیاست

○ وجه تمایز قطعی کلانشهرهای کشورهای صنعتی از کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه را باید در نخست شهری عملکردی آنها دانست. درجه نخست شهری عملکردی کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه به پایه هیچ یک از کلانشهرهای کشورهای صنعتی نمی رسد.

شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم در طول ۳۰ سال گذشته کاهش چندانی نیافته است. برعکس شهرهای بزرگ مایک تحول معکوسی را نشان می‌دهد. مانیل (از ۱۹۸۱)، بانکوک (از ۱۹۷۰)، جاکارتا (از ۱۹۸۵) و مکزیکوسیتی (از ۱۹۸۰) از نظر نخست شهری ارتقا یافته‌اند.

نخست شهری کلانشهر - ناهمگونی منطقه‌ای

رابطه‌ی علی بین مرحله‌ی توسعه‌ی اقتصادی یک کشور معین، حدود ناهمگونی‌های منطقه‌ای و درجه‌ی نخست شهری اقتصادی کلانشهر مربوطه را می‌توان از جدول ۱ ستون ۳، جدول ۵ و داده‌های

در این ارتباط ما در این بحث غالباً با یک ایراد روبرو می‌شویم: این استدلال که تعداد معتناهی از کلانشهرها در جهان غرب (مانند پاریس و لندن) دارای نخست شهری قطعی مشابهی هستند. همانگونه که از داده‌های جدول ۴ برمی‌آید این نظر حداکثر فقط با توجه به جنبه‌ی جمعیت‌شناختی برخی عملکردها صادق است. برای نمونه، از نظر شاخص «تماسهای تلفنی» نخست شهری بمبئی تقریباً ۶ برابر پاریس است.

اطلاعات مربوط به بعد اقتصادی (سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی) که در جدول ۵ نشان داده شده است آشکار می‌سازد که رتبه‌ی بالای نخست شهری

○ جهانشهرها نقاط
کانونی فرایند جهانی شدن
و شهرهای فرمانده جهان یا
همان مراکز اداره جهانی
سرمایه، تجارت،
حمل و نقل و ارتباطات،
سیاست و فرهنگ
بین‌المللی هستند.

جدول ۴: نخست شهری مادرشهرهای بزرگ: بمبئی - شانگهای - پاریس

شاخص	بمبئی			شانگهای			پاریس		
	سال	GB1	B.MR2	سال	شیکو	نوکران‌شی	سال	A.U.P3	R.P4
استان / ایالت مساحت (هزار کیلومتر مربع) جمعیت (میلیون نفر)	۱۹۸۱	۳۰۸	۱۹۸۱	۱۹۸۴	۱۰۸	جیانگ سود (شانگهای)	۱۹۸۲	۵۴۷	فرانسه
	۱۹۸۱	۶۲/۸	۱۹۸۴	۷۳/۸	۱۹۸۲	۵۴/۴	۱۹۸۲	۱۲/۰۱۲	۱/۰۰۰
نخست شهری جمعیتی ۱ مساحت (کیلومتر مربع) ۲ درصد از کل مساحت ۳ جمعیت ۴ درصد از کل جمعیت	۱۹۸۱	۶۰۳	۴/۳۵۰	۱۹۸۴	۳۴۰	۶/۱۸۶	۱۹۸۲	۲/۲	۰/۲
	۱۹۸۱	۰/۲	۱/۴۱	۱۹۸۴	۰/۳	۵/۷۳	۱۹۸۲	۱۰/۰۵۷	۷/۱۵۶
	۱۹۸۱	۸/۲۴۳	۱۰/۷۲۴	۱۹۸۴	۶/۸۸۱	۱۲/۰۴۸	۱۹۸۲	۱۸/۵	۱۳/۱
	۱۹۸۱	۱۳/۱	۱۷/۱	۱۹۸۴	۹/۳	۱۶/۳	۱۹۸۲	۲۶/۸	۱۹۸۱
نخست شهری عملکردی ۵ تولید خالص داخلی (درصد) ۶ سرانه تولید خالص داخلی ۷ بقیه ناحیه مادر شهر درآمد مالیاتی (درصد) ۸ اشتغال صنعتی (درصد) ۹ ارزش بازده ناخالص صنعتی به درصد ۱۰ محموله جابجا شده توسط بنادر ۱۱ تعداد تلفن‌ها (درصد) ۱۲ دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی (%) ۱۳ تخت بیمارستان (درصد) ۱۴ تعداد پزشکان (درصد) ۱۵ دستگاههای تلویزیون (درصد) ۱۶ ظرفیت هتل‌های ۳، ۴ و ۵ ستاره (%) ۱۷ هتل ۵ ستاره لوکس (درصد)	۱۹۸۰	۳۳/۲	۳۸/۷	۱۹۸۴	-	۳۸/۶	۱۹۸۱	۳۰/۱	۳۹/۳(۵)
	۱۹۸۰	۷:۱	۴/۷:۱	۱۹۸۴	۶/۶:۱	۳/۲:۱	۱۹۸۱	۲۲/۰	۱۹۸۲
	۱۹۸۴	۸۸/۸	۵۶/۷	۱۹۸۳	۴۵/۸	۲۲/۰	۱۹۸۲	۲۵	۱۹۸۲
	۱۹۸۳(۶)	۴۷/۰	۵۸/۴	۱۹۸۳(۶)	۴۷/۰	۵۸/۴	۱۹۸۲	۱۹/۹	-
	۱۹۸۱	۲۱/۰	۱۹۸۱	۱۷/۳(۷)	۱۹۸۱	۱۷/۳(۷)	۱۹۸۱	۱۹/۹	-
	۱۹۸۴	۷۸/۷	۱۹۸۴	۵۱/۰	۱۹۸۴	۴۱/۳	۱۹۸۴	۳۰/۸	۱۹۷۴
	۱۹۸۲	۴۰/۳	۴۰/۳	۱۹۸۲	۴۳/۴	۴۸/۴	۱۹۸۴	۱۶/۷	۱۹۷۴
	۱۹۸۰	۳۲/۸	۳۷/۳	۱۹۸۰	۱۹/۷	۲۹/۹	۱۹۸۴	۲۲/۰	۱۹۸۲
	۱۹۸۰	۸۲/۳	۹۱/۳	۱۹۸۰	۳۱/۸	۳۹/۴	۱۹۸۴	۱۹/۶	۱۹۸۳
	۱۹۸۳	۸۷/۴	۸۹/۲	۱۹۸۳	۸۷/۴	۸۹/۲	۱۹۸۴	۱۶/۳	۱۹۸۴
	۱۹۸۳	۸۷/۴	۸۷/۴	۱۹۸۳	۸۷/۴	۸۷/۴	۱۹۸۴	۴۴/۱	۱۹۸۴

(۱) بمبئی بزرگ (۲) منطقه مادرشهری بمبئی (۳) مرکز شهری پاریس (۴) منطقه پاریس (۵) مجموع مالیاتها (۶) صنایع معیاش بزرگ و متوسط (۷) فقط صادرات (۸) ارقام تخمینی.

جدول ۵: پویایی نخست شهری اقتصادی کلانشهرها

(سرنانه تولید ناخالص داخلی، کشور / منقطه = ۱۰۰)

کلانشهر	کشور / منطقه	درصد از مساحت	MQ ۱۹۰۰	۱۹۶۰	۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۳
مانیل (+)	فیلیپین	۰/۲۱	۱۳/۸	-	۲۸۶	۲۶۹	۲۷۲	۲۴۵	۲۲۴	۲۴۶	۲۴۸
بانکوک (+)	تایلند	۰/۳۱	۱۰/۸	۲۸۴	۲۹۴	۳۰۵	۲۹۶	۳۳۱	۳۳۹	۳۶۵	۳۶۲
جاکارتا	اندونزی	۰/۰۳	۴/۶	-	-	-	-	۲۸۳	۲۲۲	۲۵۸	۲۵۹
مکزیکوسیتی	مکزیک	۰/۲۳	۱۸/۵	۲۲۰	-	۱۸۴	-	۱۷۳	-	۲۰۰	-
سئول (+)	کره جنوبی	۰/۶۳	۲۴/۴	۲۳۲	۱۷۸	۱۶۳	۱۴۰	۱۲۱	۱۰۴	۱۰۲	۱۰۴
توکیو (+)	ژاپن	۱/۱۹	۱۶/۰	-	۱۲۲	۱۴۳	۱۳۶	۱۳۴	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۰
نیویورک	NE(۱)	۴/۰۳	۳۳/۳	۱۰۸	-	-	۱۱۲	۱۰۸	۱۱۰	۱۱۵	-
شیکاگو	ایلی نویز	۹/۱۱	۶۴/۸	۱۱۲	-	۱۰۹	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۱۰	-
لندن	بریتانیا	۰/۶۴	۱۱/۸	-	-	-	۱۲۶	۱۲۶	۱۲۶	۱۲۵	۱۲۳

(+) مرکز ناحیه: (۱) شمالشرق؛ مین: نیوهمشایر، ورمونت، ماساچوست، رود ایلند، کانکتیکات، نیویورک، نیوجرسی، پنسیلوانیا. منبع: آمار کشورها (محاسبات نویسنده)

○ در حالی که نخست شهری عملکردی کلانشهر به کشور متبوع آن و سطح ملی بازمی گردد، نخست شهری یا تسلط عملکردی جهان شهر اگر نه منحصر آ دستکم عمدتاً ناظر بر سطح جهانی است.

گردآوری شده در جدول ۶ برای هر شهر مشاهده کرد. مربوطه بالاتر باشد، درجه ناهمگونی های منطقه ای پایین تر خواهد بود (جدول ۱، ستون ۳، جدول ۶، ستون ۷).

همچنین بین درجه نخست شهری عملکردی کلانشهر و سطح توسعه منطقه ای همبستگی مثبت وجود دارد (جدول ۶، ستون ۸). همراه با پویایی ناهمگونی های منطقه ای این وابستگی ها به صورت الگویی از ساختارهای فضایی بروز کرده است و پیامدهای آن برای کشورهای جهان سوم تبدیل به يك مسئله یا معضل جدی توسعه شده است.

با خلاصه کردن داده های جدول ۱، ۵ و ۶ با توجه به وابستگی بین نخست شهری کلانشهر، ناهمگونی منطقه ای و سطح توسعه (اقتصادی) کشور مربوطه می توانیم قضیه های زیر را استنباط کنیم (Bronger, 1991; 7ff).

- هرچه سطح توسعه اقتصادی بالاتر باشد، درجه نخست شهری عملکردی (اقتصادی) کلانشهر کمتر خواهد بود.

- هرچه توسعه اقتصادی کشور / منطقه

جدول ۶: ارتباط بین درجه نخست شهری عملکردی (اقتصادی) کلانشهرها و نابرابری های منطقه ای

کلانشهر	کشور منطقه	تعداد واحدهای فضایی	شاخص	اندازه متغیر		
				سال	مجموع	به استثنای منطقه پایتخت
مانیل	فیلیپین	۷۴	GDP	۱۹۹۳	۵/۱:۱	۳/۵:۱
بانکوک	تایلند	۷۳	GDP	۱۹۹۱	۱۳/۷:۱	۱۲/۸:۱
جاکارتا	اندونزی	۲۷	GDP	۱۹۹۳	۸/۷:۱	۶/۴:۱
مکزیکوسیتی	مکزیک	۳۲	GDP	۱۹۹۰	۷/۰:۱	۱۱/۱:۱
سئول	کره جنوبی	۱۵	GDP	۱۹۹۲	۱/۳:۱	۱/۸:۱
توکیو	ژاپن	۴۷	P.I(۱)	۱۹۹۲	۱/۸:۱	۱/۴:۱
نیویورک	نیویورک	۵۳	M.I(۲)	۱۹۸۹	۱/۹:۱	۱/۹:۱
شیکاگو	ایلی نویز	۱۰۲	M.I(۲)	۱۹۸۹	۲/۰:۱	۱/۸:۱
لندن	بریتانیا	۳۵	GDP	۱۹۹۳	۱/۹:۱	۱/۸:۱

(۱) درآمد حوزه های (۲) درآمد پولی منبع: آمار کشورها (محاسبات نویسنده)

۳- آیا کلانشهرها همان

جهانشهرها هستند؟

آیا جهانی شدن به معنی مشارکت جهانی است؟

از جنگ جهانی دوم و بویژه در سه دهه گذشته که سیستم اقتصادی جهان از بنیاد تغییر یافته، جهانی شدن کره خاکی آشکارتر شده است. به علاوه فشار رقابت روزافزون و در حال گسترش جهان، امکان فرار به هیچکس نمی دهد، همه باید خود را به قطار جهانی برسانند.

نکته قطعی و تعیین کننده این است: چه کسی یعنی کدام کشورها تا چه اندازه ای تاکنون در این فرایند جهانی شدن مشارکت کرده اند؟ هنگام پاسخ به این پرسش، پرسش دیگری مطرح می شود: چگونه می توان این مشارکت در حال رشد یارو به زوال را ثابت کرد؟ برای سنجش مشارکت کشور در فرایند جهانی در حال حاضر و همچنین در گذشته چه شاخصهایی مناسب هستند؟

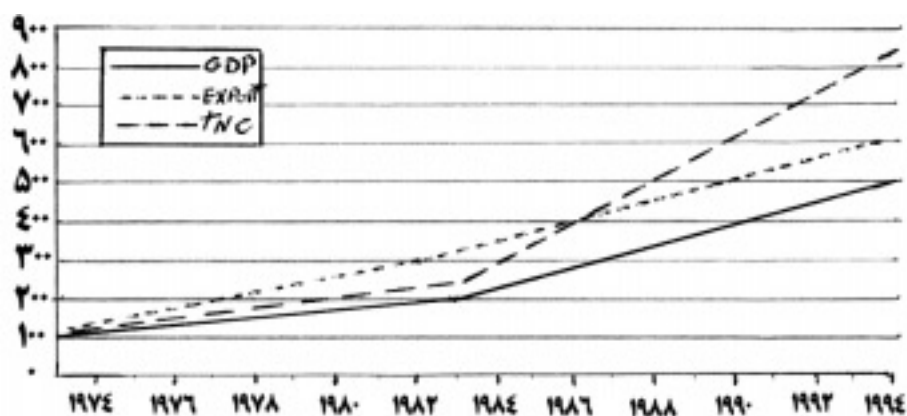
یک شاخص بارز جهانی شدن و مناسب برای پاسخگویی به پرسش ما، تجارت بین المللی یا دقیق تر بگویم سهم کشور از صادرات جهانی است. رشد غیرمتناسب تجارت بین المللی بطور کلی و حجم صادرات بطور اخص، در مقایسه با رشد تولید ناخالص داخلی از وجوه مشخصه فرایند جهانی شدن است. شاخص دوم نیز دستکم به همان اندازه مهم است: تعداد نسبتاً کم و رو به کاهشی از شرکتهای (شرکتهای به اصطلاح فراملی)

نقش برجسته و فزاینده ای به عنوان موتور جهانی شدن اقتصاد بازی می کنند. واحدهای سازمانی عمده در بلوک سرمایه داری، بانکهای بین المللی و شرکتهای فراملی هستند. شرکتهای فراملی امروزه ۷۰ تا ۸۰ درصد تجارت جهانی را انجام می دهد. تعداد ۵۰۰ شرکت از بزرگترین شرکت های فراملی ۲۱ سال گذشته (۱۹۹۵-۱۹۷۴) حجم فروش خود را ۸/۴ برابر کرده اند که باید آن را با ۵ برابر شدن GDP و ۶/۸ برابر صادرات جهان در همان دوره مقایسه کرد (نمودار ۱). اکثر شرکتهای فراملی از بازیگران جهانی هستند؛ برای نمونه شرکت زیمنس آلمان در ۱۸۹ کشور نمایندگی دارد. به عبارت دیگر شرکتهای فراملی ها به عنوان بازیگران اقتصادی تجارت و تولید بین المللی، بیش از پیش کنترل اقتصاد جهان را به دست گرفته اند.

مقایسه کشورهای در حال توسعه با کشورهای صنعتی از حیث دو شاخص عمده بروشنی در جدول های ۷ و ۸ منعکس شده است. کشورهای جهان سوم با داشتن بیش از ۸۰ درصد جمعیت دنیا در سال ۱۹۹۵ فقط ۲ درصد فروش شرکتهای فراملی (جدول ۷ ستون ۴) را دارا می باشند و این یعنی کمتر از کشور تازه صنعتی شده کره جنوبی! و حتی این سهم هم در ۱۱ سال گذشته از ۳/۸ درصد هم در تعداد و هم در کل فروشها در سال ۱۹۸۴ کاهش داشته است (جدول ۷ و ۸).

○ برخلاف فرایند مادرشهری شدن که ۸۷ کشور از ۱۲۷ کشور با بیش از ۳/۱ میلیون نفر جمعیت را تحت تأثیر قرار داده است هنوز نمی توان کلانشهری شدن را پدیده ای جهانشمول دانست.

نمودار ۱: GDP، صادرات و TNC (فروشها) ۱۹۹۵-۱۹۷۴



جدول ۷: مشارکت در اقتصاد جهانی: توزیع ۵۰۰ شرکت از بزرگترین شرکتهای فراملی

۱۹۷۴-۱۹۶۳-۱۹۹۵-۱۹۸۴

۱۹۶۳		۱۹۷۴		۱۹۸۴		۱۹۹۵	
فروشها		فروشها		فروشها		فروشها	
درصد از کل	درصد	درصد از کل	درصد	درصد از کل	درصد	درصد از کل	درصد
رتبه	کشور	رتبه	کشور	رتبه	کشور	رتبه	کشور
۶۷	U.S.A	۵۲/۸	U.S.A	۴۸/۴	U.S.A	۳۵	ژاپن
۶۷	بریتانیا	۹/۶	ژاپن	۱۲/۲	ژاپن	۲۸/۳	U.S.A
۸۳/۴	آلمان	۸/۹	بریتانیا	۸/۶	بریتانیا	۷۲/۳	آلمان
۸۷/۹	ژاپن	۸۰	آلمان	۶/۸	آلمان	۷/۷	فرانسه
۹۱/۱	فرانسه	۴/۹	فرانسه	۴/۲	فرانسه	۸۵	بریتانیا
۹۳/۸	هلند	۴	هلند	۳/۸	هلند	۸۸	سوئیس
۹۵/۳	کانادا	۱/۹	کانادا	۲/۹	کانادا	۲/۶	هلند
۹۶/۷	ایتالیا	۱/۷	ایتالیا	۲/۵	ایتالیا	۲/۳	کره جنوبی
۹۷/۸	سوئیس	۱/۳	سوئیس	۱/۸	کره جنوبی	۲/۲	ایتالیا
۹۸/۵	سوئد	۱/۲	ایران	۱/۶	سوئیس	۰/۷	اسپانیا
-	مکزیک	۰/۴	برزیل	۰/۶	مکزیک	۰/۵	برزیل
۰/۸	آفریقای جنوبی	۰/۲	مکزیک	۰/۵	هند	۰/۳	چین
۰/۸	جزایر آنتیل	۰/۲	الجزایر	۰/۵	برزیل	۰/۲	ونزوئلا
۰/۸	هند	۰/۸	هند	۰/۵	کویت	۰/۲	مکزیک
-	-	۰/۸	آفریقای جنوبی	۰/۴	آفریقای جنوبی	۰/۸	هند

○ تنها ۶ شهر از ۲۵ شهر
کشورهای جهان سوم،
جهانشهر هستند
در صورتی که همه
۱۱ کلانشهر کشورهای
صنعتی در ردیف
جهانشهرها قرار دارند.

جدول ۸: مشارکت در اقتصاد جهانی: بزرگترین صادرکننده‌ها ۱۹۸۰ و ۱۹۹۶

رتبه (۱)	کشور	۱۹۸۰		۱۹۹۶	
		درصد از کل	ارزش صادرات	درصد از کل	ارزش صادرات (میلیارد دلار)
۱	U.S.A	۱۱/۱	۲۱۷	۱۱/۹	۶۲۴
۲	آلمان	۹/۹	۱۹۳	۲۱/۸	۵۲۱
۳	ژاپن	۶/۶	۱۲۹	۲۹/۷	۴۱۲
۴	فرانسه	۵/۷	۱۱۱	۳۵/۲	۲۹۰
۵	بریتانیا	۵/۹	۱۱۵	۴۰/۸	۲۵۹
۶	ایتالیا	۴	۷۸	۴۴/۹	۲۵۰
۷	کانادا	۳/۳	۶۴	۴۸/۷	۲۰۱
۸	هلند	۳/۸	۷۴	۵۲/۵	۱۹۷
۹	هنگ کنگ	۱	۲۰	۵۵/۹	۱۸۰
۱۰	بلژیک	۳/۳	۶۴	۵۹/۸	۱۶۶
۱۱	چین	۰/۹	۱۸	۶۲	۱۵۱
۱۲	کره جنوبی	۰/۹	۱۸	۶۴/۵	۱۲۹
۱۳	سنگاپور	۱	۱۹	۶۶/۹	۱۲۵
۱۴	تایوان	-	-	۶۹/۸	۱۱۶

آیا جهانشهرها همان کلانشهرها هستند؟
در اولین گام برای پاسخ گفتن به این پرسش بار
دیگر از شاخص شرکتهای فراملی استفاده
خواهیم کرد. فیگین و اسمیت در معروفترین
کتابشان شهر سرمایه گرا تقریباً ۱۰ سال پیش
نوشتند:
«بازیگران اصلی در تقسیم بین المللی کار
۵۰۰ تا ۱۰۰۰ شرکت بزرگ چند ملیتی هستند.»

این سازمانهای بزرگ يك شبکه گسترده جهانی از تولید، مبادله، خدمات یکپارچه مالی در نظامی سلسله مراتبی و پیچیده از شهرها ایجاد کرده اند. ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ شرکت بزرگ چندملیتی نه تنها در رأس شرکتهای سرمایه داری به هم پیوسته قرار گرفته اند بلکه نوعی شبکه اقتصاد جهانی واقعی ایجاد کرده اند که یکی از گروههای جغرافیایی اولیه آن جهانشهرها هستند.»

آیا این جهانشهرها را می توان با کلانشهرهای مورد بحث ما یکسان فرض کرد؟ در نگاه اول اطلاعات گردآوری شده در جدول ۹ مؤید مطلب بالاست. در سال ۱۹۹۵ جهانشهرهای صدر جدول با ۸ کلانشهر مورد بحث ما یکسان است. در میان ۴۸ شهر فهرست شده با حداقل ۲ شرکت فراملی، سه شهر با مرکزیت بیشتر در جدول ۹ دیده می شود. در نگاه دوم آشکار می شود که مراکز نه تنها بطور بی تناسب قرار گرفته اند بلکه به استثنای يك شهر - برازیلیا (۳۹) - همه در کشورهای صنعتی قرار گرفته اند: آمریکای شمالی (۳)، اروپا (۱۹)، ژاپن و کره (۵) و استرالیا (۱). در سال ۱۹۸۴ فقط يك شهر مشاهده می شود: ژوهانسبورگ. اگر جهانشهرهایی با تنها يك مرکز کنترل شرکت فراملی را به شمار آوریم، صرف نظر از پکن فقط ۵ شهر مکزیکوسیتی، سائوپولو، ریودوژانیرو، دهلی و استانبول در چنین لیستی ظاهر می شوند (جدول ۱۰). در مجموع فقط ۶ تا از ۲۵ کلانشهر کشورهای جهان سوم، جهانشهر هستند در صورتی که همه ۱۱ کلانشهر کشورهای صنعتی در ردیف جهانشهرها قرار می گیرند (جدول ۹ و ۱۰).

تحلیل دقیقتر این پرسش که «آیا جهانشهرها همان کلانشهرها هستند؟» نیازمند استفاده از شاخصهای بیشتری است. و این نکته ای است که در ستون مربوط از آن غفلت شده است (جزئیات بیشتر در Bronger, 1997: 51ff). در ادامه، تلاشی ابتدایی برای یافتن پاسخی برای این پرسش در وضعیت حاضر که شامل رتبه بندی نظام جهانشهری با استفاده از ۸ شاخص اصلی از نظر مفهوم جهانشهری است به عمل آورده ایم. بی شک این تلاش می تواند به عنوان تلاشی ابتدایی برای نشان دادن دقیقتر نظام جهانشهری محسوب گردد.

در این مورد شاخصهای زیر در نظر گرفته شده است:

- ۱- موقعیت مراکز ۵۰۰ شرکت از بزرگترین شرکت های فراملی جهان براساس فروش - ۱۹۹۵
- ۲- موقعیت مراکز ۵۰ بانک از بزرگترین بانکهای جهان براساس فروش - ۱۹۹۵
- ۳- بزرگترین مراکز مبادله کالا - ۱۹۹۰
- الف) ارزش بازار
- ب) فهرست شرکتهای
- ۴- فرودگاههای بین المللی بزرگ
- الف) تعداد مسافران
- ب) تعداد پروازهای خروجی (جهانی و منطقه ای) - ۱۹۹۲
- ۵- سفرهای دریایی عمده (رفت و برگشت) - ۱۹۹۴

۶- مراکز مؤسسات بزرگ بین المللی ۱۹۹۵

نتایج این تحلیل که شامل روش رتبه ای می شود در جدول ۱۱ گردآوری شده است. نتایج اصلی را می توان در سه نکته زیر خلاصه کرد:

الف) ۱۸ مرکز عمده جهانی ملاحظه شده در اینجا، تماماً در کشورهای صنعتی قدیم و جدید واقع شده اند. هر شش تای آنها در یکی از سه منطقه عمده اقتصاد جهان - آمریکای شمالی، اروپا و شرق و جنوب شرق آسیا (آسیای اقیانوسیه) - قرار دارند. این بدین معنی است که منطقه اخیر نه تنها به آمریکای شمالی و اروپا نزدیک شده است بلکه شکاف ایجاد شده به حداقل رسیده است؛ بطوری که رقابت بین این مناطق عمده از نظر فرایند جهانی شدن می تواند بطور مساوی در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، آسیای اقیانوس آرام به عنوان منطقه ای جهانی دارای مشخص ترین پویایی جهانی محسوب می شود. این جریان یعنی سبقت قابل توجه بیرها توانسته است کمیتهارا بهبود بخشد. با توجه به مراکز عمده شرکتهای فراملی می توان فقط در يك دوره ۱۱ ساله تغییر مهمی را به نفع شرق آسیا در مقابل آمریکای شمالی و اروپا مشاهده کرد (نگاه کنید به جدول ۹)

نتایج تحلیلهای ما در عین حال آشکار می سازد که فرایند جهانی شدن (اقتصادی) بیشتر و بیشتر تنها به نفع این سه منطقه عمده در حال تمرکز است.

ب) چنانچه شهرهای جهانی را در مفهوم دقیقتر

○ چنانچه شهرهایی در سطح تسلط جهانی را در نظر بگیریم در حال حاضر فقط می توانیم چهار شهر بزرگ توکیو، نیویورک، لندن و پاریس را شهر جهانی بنامیم.

۱۹۸۴				شرکتهای فراملی			۱۹۹۵			رتبه
شرکتهای فراملی		تعداد	رتبه	درصد		کشور	طبقه ^(۱)	شهر		
درصد	درصد تجمعی			درصد	درصد تجمعی					
۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۶/۸	۶/۸	۳۴	۳	۱۸/۸	۱۸/۸	۹۴	ژاپن	I	توکیو	۱
۱۸/۶	۱۱/۸	۵۹	۱	۲۷	۸/۲	۴۱	ایالات متحده آمریکا	I	نیویورک	۲
۲۳/۸	۵/۲	۲۶	۴	۳۴/۲	۷/۲	۳۶	فرانسه	II	پاریس	۳
۲۶/۸	۳	۱۵	۶	۴۱/۲	۷	۳۵	ژاپن	I	اوزاکا-کوبه	۴
۳۴/۲	۷/۴	۳۷	۲	۴۷/۲	۶	۳۰	بریتانیا	II	لندن	۵
۳۸/۲	۴	۲۰	۵	۴۹/۸	۲/۶	۱۳	ایالات متحده آمریکا	II	شیکاگو	۶
۳۹	۰/۸	۴	۲۴	۵۲	۲/۲	۱۱	کره جنوبی	I	سئول	۷
۴۰/۲	۱/۲	۶	۱۷	۵۳/۸	۱/۸	۹	ایالات متحده آمریکا	II	سانفرانسیسکو	۸
۴۰/۶	۰/۴	۲	۴۸	۵۵/۶	۱/۸	۹	آلمان	III	مونخ	۹
۴۲	۱/۴	۷	۱۵	۵۷	۱/۴	۷	آلمان	IV	فرانکفورت	۱۰
۴۲/۴	۰/۴	۲	۳۵	۵۸/۴	۱/۴	۷	سوئیس	IV	زوریخ	۱۱
۴۳/۲	۰/۸	۴	۲۵	۵۹/۸	۱/۴	۷	ایالات متحده آمریکا	III	آتلانتا	۱۲
-	-	-	-	۶۱	۱/۲	۶	بلژیک	III	بروکسل	۱۳
-	-	-	-	۶۲/۲	۱/۲	۶	ژاپن	II	ناگویا	۱۴
۴۶	۲/۸	۱۴	۷	۶۳/۲	۱	۵	ایالات متحده آمریکا	I	لوس آنجلس	۱۵
۴۷/۸	۱/۸	۹	۱۱	۶۴/۲	۱	۵	ایالات متحده آمریکا	III	دالاس	۱۶
۴۸/۸	I	۵ ^(۳)	۲۱	۶۵/۲	۱	۵	آلمان	IV	دوسلدروف	۱۷
۵۰	۱/۲	۶	۱۸	۶۶/۲	۱	۵	ایتالیا	III	رم	۱۸
۵۰/۴	۰/۴	۲	۴۶	۶۷/۲	I	۵	اسپانیا	III	مادرید	۱۹
۵۱	۰/۶	۳	۳۱	۶۸/۲	۱	۵	سوئیس	IV	باسل	۲۰
۵۳/۲	۲/۲	۱۱	۸	۶۹	۰/۸	۴	ایالات متحده آمریکا	III	هوستون	۲۱
۵۴/۲	۱	۵ ^(۳)	۲۱	۶۹/۸	۰/۸	۴	آلمان	I	ایسن	۲۲
۵۴/۸	۰/۶	۳	۳۰	۷۰/۶	۰/۸	۴	ایتالیا	III	مایلند	۲۳
-	-	-	-	۷۱/۲	۰/۸	۴	کانادا	III	مونتreal	۲۴
-	-	-	-	۷۲/۲	۰/۸	۴	ایالات متحده آمریکا	III	واشینگتن	۲۵
۵۷	۱/۶	۸	۱۲	۷۳	۰/۸	۴	ایالات متحده آمریکا	III	سنت لوئیس	۲۶
۵۸/۴	۱/۴	۷	۱۳	۷۳/۸	۰/۸	۴	ایالات متحده آمریکا	III	دترویت	۲۷
۵۹/۸	۱/۴	۷	۱۶	۷۴/۶	۰/۸	۴	ایالات متحده آمریکا	III	مینه آپولیس	۲۸
-	-	-	-	۷۵/۲	۰/۶	۳	هلند	IV	آمستردام	۲۹
۶۰/۲	۰/۴	۲	۴۷	۷۵/۸	۰/۶	۳	استرالیا	III	ملبورن	۳۰
۶۰/۶	۰/۴	۲	۵۰	۷۶/۴	۰/۶	۳	ایالات متحده آمریکا	III	سین سینتی	۳۱
۶۱/۶	۱	۵	۲۲	۷۷	۰/۶	۳	ایالات متحده آمریکا	IV	هارت فورد	۳۲
۶۳/۶	۲	۱۰	۹	۷۷/۶	۰/۶	۳	ایالات متحده آمریکا	III	پترزبورگ	۳۳
۶۵/۶	۲	۱۰	۱۰	۷۸	۰/۴	۲	آلمان	III	هامبورگ	۳۴
۶۶/۶	۱	۵	۲۰	۷۸/۴	۰/۴	۲	ایتالیا	III	تورین	۳۵
-	-	-	-	۷۸/۸	۰/۴	۲	هلند	IV	لاسه	۳۶
۶۸	۱/۴	۷	۱۴	۷۹/۲	۰/۴	۲	کانادا	III	تورنتو	۳۷
-	-	-	-	۷۹/۶	۰/۴	۲	چین	II	پکن	۳۸
-	-	-	-	۸۰	۰/۴	۲	برزیل	III	برازیلیا	۳۹
۶۸/۶	۰/۶	۳	۲۷	۸۰/۴	۰/۴	۲	آلمان	IV	اشتوتگارت	۴۰
-	-	-	-	۸۰/۸	۰/۴	۲	آلمان	IV	بن	۴۱
-	-	-	-	۸۱/۲	۰/۴	۲	ژاپن	III	هیروشیما	۴۲
۶۹/۸	۱/۲	۶	۱۹	۸۱/۶	۰/۴	۲	سوئد	IV	استکهلم	۴۳
-	-	-	-	۸۲	۰/۴	۲	ایالات متحده آمریکا	IV	کلمبوس	۴۴
-	-	-	-	۸۲/۴	۰/۴	۲	ایالات متحده آمریکا	IV	شارلوت	۴۵
۷۰/۲	۰/۴	۲	۴۴	۸۲/۸	۰/۴	۲	ایالات متحده آمریکا	III	فیلادلفیا	۴۶
۷۱/۲	۱	۵	۲۳	۸۳/۲	۰/۴	۲	ایالات متحده آمریکا	IV	فایرفیلد	۴۷
۷۱/۶	۰/۴	۲	۳۶	۸۳/۶	۰/۴	۲	ایالات متحده آمریکا	IV	اکرون	۴۸

I: جمعیت بیش از ۱۰ میلیون نفر؛ II: بیش از ۵ میلیون نفر؛ III: بیش از یک میلیون نفر IV: کمتر از یک میلیون نفر

جدول ۱۰: آیا کلانشهرها همان جهان‌شهرها هستند؟

کشور	شماره	کلانشهر ^(۱)	شرکتهای فراملی (۱۹۹۵)			
			تعداد	درصد ^(۲)	درصد ^(۳)	
آمریکای شمالی (ایالات متحده آمریکا)	۱	نیویورک	۴۱	۲۶/۸	۲۵/۸	
	۲	لوس آنجلس	۵	۳/۳	۳/۱	
	۳	شیکاگو	۱۳	۸/۶	۸/۲	
	۴	سان فرانسیسکو	۹	۵/۹	۵/۷	
	جمع	۴	۶۸	۴۴/۵	۴۲/۸	
آمریکای لاتین	۵	مکزیکوسیتی	۱	۱۰۰	۱۶/۷	
	۶	سائوپولو	۱	۲۵	۱۶/۷	
	۷	ریودژانیرو	۱	۲۵	۱۶/۷	
	۸	بوئنوس آیرس	-	-	-	
	۹	لیما	-	-	-	
	۱۰	سان دیاگو	-	-	-	
	۱۱	بوگوتا	-	-	-	
	جمع	۷	۳	۵۰	۵۰	
	اروپا	۱۲	پاریس	۳۶	۸۵/۶	۲۰/۹
		۱۳	لندن	۳۰	۹۰/۱	۱۷/۵
		۱۴	مسکو	-	-	-
۴		۴	۶۶	-	۳۸/۴	
جمع		۴	۶۶	-	۳۸/۴	
آسیا	۱۶	توکیو	۸۴	۶۶/۷	۵۹/۱	
	۱۷	اوزاکا-کوبه	۳۵	۲۴/۸	۲۲	
	۱۸	ناگویا	۶	۴/۳	۳/۸	
	۱۹	سئول	۱۱	۹۱/۷	۶/۹	
	۲۰	شانگهای	-	-	-	
	۲۱	پکن	۲	۱۰۰	۱۳	
	۲۲	تیانجین	-	-	-	
	۲۴	بمبئی	-	-	-	
	۲۵	کلکنه	-	-	-	
	۲۶	دهلی	۱	۱۰۰	۰/۶	
	۲۷	مدرس	-	-	-	
	۲۸	بانکوک	-	-	-	
	۲۹	مانیل	-	-	-	
	۳۰	جاکارتا	-	-	-	
	۳۱	داکا	-	-	-	
	۳۲	تهران	-	-	-	
	۳۳	استانبول	۱	۱۰۰	۰/۶	
	۳۴	کراچی	-	-	-	
	جمع	۱۹	۱۵۱	۹۵	۳۰/۲	
آفریقا	۳۵	قاهره	-	-	-	
	۳۶	لاگوس	-	-	-	
	۲	۲	۲۸۸	-	-	
جمع	۳۶	۲۸۸	-	-		

(۱) جمعیت کمتر از ۵ میلیون (نگاه کنید به جدول ۱)

(۳) درصد از قاره

(۴) درصد از کل (۵۰۰ شرکت فراملی)

(۲) درصد از کشور

رتبه	جهان‌شهر	C ^(۱)	۱	۲	۳	۴	۵	۶	جمع
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۲
۱	توکیو	I	۱۰	۱۰	۵	۳	۵	۲	۴۵
۲	نیویورک	I	۷	۳	۵	۲	۵	۳	۳۵
۳	لندن	II	۶	۲	۴	۵	۵	۵	۳۲
۴	پاریس	II	۷	۴	۳	۴	۵	۶	۲۷ ^(۳۲)
۵	اوزاکا-کوبه	I	۷	۴	-	-	۲	۱	۲۳
۶	فرانکفورت	IV	۲	۴	۳	۴	۳	۳	۱۹
۷	شیکاگو	II	۵	-	-	-	۵	۱	۱۶
۷	لوس آنجلس	I	۳	۳	۲	۴	۲	۲	۱۶
۷	آمستردام	IV	۲	۲	۲	۴	۳	۳	۱۶
۷	سنگاپور	III	۱	۱	۱	۲	۳	۲	۱۶
۱۱	زوریخ	IV	۴	۱	۲	۴	۱	۲	۱۵
۱۱	سئول	II	۵	۱	۲	۲	۱	۶	۱۵
۱۳	هنگ کنگ	II	۱	۱	۱	۲	۲	۲	۱۳
۱۴	هوستون	III	۳	-	-	-	۲	۱	۱۱
۱۴	ناگویا	II	۳	۱	-	-	-	۷	۱۱
۱۶	دالاس	III	۳	۳	۵	۲	-	-	-
۱۶	سان‌فرانسیسکو	II	۴	۱	۳	۲	۲	۲	۱۰
۱۶	بروکسل	IV	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱۰

- (۱) I: بیش از ۱۰ میلیون نفر، II: بیش از ۵ میلیون نفر، III: بیش از یک میلیون نفر، IV: کمتر از یک میلیون نفر
 (۲) ۱۰: بیش از ۸۰ اداره مرکزی؛ ۷: بیش از ۳۰، ۶: بیش از ۲۰، ۵: بیش از ۱۰؛ ۴: بین ۸ تا ۳، ۳: بین ۶ تا ۲، ۲: کمتر از ۶
 (۳) بیش از ۱۰ اداره مرکزی، ۴: بیش از ۵، ۳: بیش از ۴، ۲: بیش از ۲
 (۴) A-۵: بیش از ۵۰۰ شرکت، ۴: بیش از ۳۰۰، ۳: بیش از ۲۰۰، ۲: بیش از ۱۰۰، ۱: بیش از ۷۵، کمتر از ۷۵
 (۵) A-۵: بیش از ۵۰ میلیون مسافر، ۴: بیش از ۴ میلیون، ۳: بیش از ۳ میلیون، ۲: بیش از ۲ میلیون، ۱: بیش از ۱ میلیون
 B-۵: بیش از ۴۰۰۰ پرواز بین‌المللی در هفته، ۴: بیش از ۳،۲۰۰، ۳: بیش از ۲،۱۰۰، ۲: بیش از ۱،۵۰۰، ۱: کمتر از ۵۰۰ پرواز
 (۶) ۱۰: بیش از ۳۰۰ میلیون تلفن، ۹: بیش از ۲۰۰ میلیون، ۸: بیش از ۱۵۰ میلیون، ۷: بیش از ۱۰۰ میلیون، ۶: بیش از ۷۵ میلیون، ۵: بیش از ۵۰ میلیون، ۴: بیش از ۳۰ میلیون، ۳: بیش از ۲۰ میلیون، ۲: بیش از ۱۵ میلیون، ۱: کمتر از ۱۵ میلیون
 (۷) اداره مرکزی بین‌المللی
 (۸) مرکز جهانی فروش و مبادله کالاهای کشاورزی
 (۹) Le Havre
 (۱۰) مرکز نمایندگی اروپایی و ناتو

۱۹۹۵ (%)	۱۹۸۴ (%)	
۸/۱۰ (۲)	۸/۱۵ (۸)	نیویورک / شیکاگو (نیویورک)
۲/۱۳ (۶)	۶/۱۲ (۴)	لندن / پاریس (لندن)
۸/۲۵ (۸)	۸/۹ (۶)	توکیو / اوزاکا-کوبه (توکیو)
۸/۴۹	۲/۳۸	مجموع

گسترش کارکردهای اقتصادی خود در بین منطقه حوزة دریای کارائیب یعنی بخشهای عمده‌ای از آمریکای جنوبی هستند (Feldbauer / Mar Velasco, 1993: 256).

نتیجه‌گیری

بطور خلاصه رتبه اصلی هر شهر در سلسله مراتب جهانی شهرها تا حد زیادی با مرحله توسعه اقتصادی، همچنین نفوذ سیاسی کشور مربوطه مطابقت دارد. علیرغم کوششهای کشورهای در حال توسعه در دهه‌های گذشته، کلانشهرهای آنها تا به حال بطور قابل توجهی از فرایند جهانی شدن (اقتصاد) بدور مانده‌اند و قطبی شدن جهانی در آنها دیده نمی‌شود. آیا دوره جدیدی از جهانی شدن ما را به بعد جدیدی از وابستگی هدایت می‌کند؟

آن، شهرهایی در سطح تسلط جهانی (Feagin/Smith, 1987:3) در نظر بگیریم، در حال حاضر فقط می‌توانیم ۴ شهر بزرگ توکیو، نیویورک، لندن و پاریس را شهر جهانی بنامیم. فاصله زیاد تارتبه بعدی یعنی اوزاکا - کوبه با این ۴ شهر این ادعا را تقویت می‌کند.

پ) واقعیتی که نه تنها در جدول ۱۱ بلکه حتی در بین ۳۰ شهر اول کشورهای صنعتی وجود دارد این است که شهرهای مشاهده شده در بالای خط (شماره ۱) و مراکز عمده کلانشهرهای تمام کشورهای در حال توسعه که تا امروز صرفاً به عنوان مراکز تولید و توزیع ایفای نقش می‌کرده‌اند، اخیراً عملکردشان صرفاً به سطح ملی (کشوری) محدود شده است. فقط مکزیکو سیتی و سائوپولو می‌توانند به عنوان استثنای احتمالی آینده مطرح شوند که در حال

○ رتبه اصلی هر شهر در سلسله مراتب جهانی شهرها تا حد زیادی با مرحله توسعه اقتصادی، همچنین نفوذ سیاسی کشور مربوط مطابقت دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی